**( 10 )**

**صحیفة الله المهیمن القیوم**

**بسمی المشرق من افق البلآء**

این ایام الف قائمه که از قیامش عالم قیام نموده نوحه مینماید و هآء مسکین از دو چشم میگرید و حالت با از ذکر خارج ما اطلع علی اسرار الله الا نفسه اوست عالم و دانا و قادر و توانا معادل جمیع کتب قبل و بعد از قلم اعلی امام وجوه نازل مع ذلک هریک را بغافلی نسبت داده‌اند نفسیکه لعمر الله از ادراک آیات الهی عاجز و قاصر است باو نسبت داده و میدهند مباهله در ارض سر امام وجوه کل ظاهر انرا انکار نموده‌اند جمعی از هر قبیل از داخل و خارج در ان یوم حاضر امر بمثابه آفتاب مشرق و لائح مع ذلک بحجبات اوهام ان را ستر نموده‌اند یا حیدر علیک بهآئی و عنایتی یحیی مع هفتاد نفر در سفر همراه بوده ببعضی نوشته و حضور خود را انکار کرده و متوهمین قبول نموده اند بر قدم شیعه شنیعه مشی نموده و مینمایند ذرهم فی ضلالتهم و اوهامهم سبحان الله از قبل گفته‌اند بنت رسول الله روح ما سویه فداه در بیت عثمان نبوده یکی از اجنه بهیئت او ظاهر و با عثمان بوده اگر نفسی سؤال نماید ان ورقه مبارکه چه شده و کجا رفته فبهت الذی کفر علمای قبل و بعد ان حزب چه در قبور خاک و چه در قبور نفس و هوی کل منتظرند که موعود از مقامهای موهومه ظاهر شود اینست شأن ان عباد غافل بسیار حیف است انسان معبود و یا مقصود امثال انقوم واقعشود نامه های شما هر هنگام رسید بعضی جواب بتفصیل از سمآء بیان مقصود عالمیان نازل و برخی در عهده تاخیر ماند الامر بیده با یفعل ما یشآء چه میتوان گفت در هر حال تسلیم و رضا محبوب بوده و هست ذکر نفوس موقنه در قمصر را نموده‌اند هر یک بذکر فائز و بآثار قلم اعلی مفتخر این ذکر را اذکار عالم معادله ننماید انا نکبر من هذا المقام علی وجوههم و نذکرهم بآیاتی و نبشرهم بعنایتی و نوصیهم بالاستقامة الکبری و بالامانة التی جعلها الله شمس الاعمال

یا حیدر علیک بهاء الله مالک القدر در یکی از الواح این کلمه علیا بلسان پارسی نازل ناصح امین میفرماید یا اولیآء الله تمسک نمائید بانچه سبب ارتفاع کلمه و علت انتشار امر است امروز نصرت بجنود اعمال و اخلا ق مقرر گشته و از قلم اعلی در زبر و الواح ثبت شده هذه من سنة الله فی هذا الظهور الاعظم و لن تجد لسنته تبدیلا و لا تحویلا هذا حکم جعله الله محفوظا من کلمة یمحو الله ما یشآء و مزینا بطراز یثبت و عنده ام الکتاب طوبی از برای نفسیکه باین حکم محکم تمسک نمود و بصر و سمع و لسان و قلب را از انچه نهی شده محفوظ داشت قل یا قوم لعمر الله بصر از برای مشاهده آثار و لسان از برای اذکار و سمع از برای اصغا و قلب از برای اقبال خلق شده اعرفوا و لا تکونوا من الغافلین قدر ایام الهی را بدانید لعمر الله مثل آن دیده نشده و از عدم بوجود نیامده و همچنین اولیای ارض کاف را ذکر نمودند نشهد انهم فازوا بعرفانی و نطقوا بثنآئی و اقبلوا الی افقی نسئل الله ان یمدهم بجنود الغیب و الشهادة و یؤیدهم علی الاستقامة و یقربهم الیه فی الدنیا و الآخرة انه هو الغفور الرحیم کبر من قبل المظلوم علیهم و بشرهم بما انزل لهم فی هذا الحین المبین جناب امین علیه بهائی و عنایتی در هر کره ذکر شما را نموده و طلب مدد و عنایت و رحمت کرده لله الحمد ان جناب فائزند بانچه که عرف رضا از ان متضوع و همچنین ذکر حزب الله را در دولت آباد نموده‌اند مکرر ذکر ایشان از قلم جاری اسامی مذکوره هر یک بذکر و توجه مظلوم فائز نسئل الله تعالی ان یوفقهم و یؤیدهم علی ما یحب و یرضی و یجعلهم من الذین ما منعتهم شبهات العمائم و اشارات الذین کفروا بیوم الدین

یا حیدر معرضین بیان تفکر ننموده اند که در قرون و اعصارقبل بچه تمسک نموده اند و جزا در یوم جزا چه بود قد خسر الذین کذبوا بایام الله و اعرضوا عن الحق بما اتبعوا کل مشرک بعید خاصه مجدد اینقوم بی وفا متابعت هادی دولت آبادی و باقر اصفهانی که در ارض طا موجود است نموده‌اند مع انکه این دو غافل از اصل امر بیخبر و محجوبند ایکاش بمثل خودی تمسک مینمودند و خلق بیچاره را بخود میگذاشتند بگو یا هادی اتق الله و لا تستر الامر و لا تتمسک بما تشتهیه نفسک ستر مکن جزیره رفتی و دیدی بر خود مشتبه منما ریاست منعت ننماید خرق کن حجاب غفلت را و بعضد یقین صنم وهم را بشکن قسم بآفتاب حقیقت که از اعلی افق عالم اشراق نموده لوجه الله میگویم تو آگاه نیستی درقبل تفکر نما که راوی وجود قائم یکی از اناث بوده چند نفر از اهل عمائم با او اتفاق نموده جعفر را تکذیب نمودند و ناحیه مقدسه و جابلقا و جابلصا ترتیب دادند و ناس بیچاره را از نفحات وحی ربانی در ایام الهی محروم نمودند طوبی از برای نفوسیکه از جمیع جهات منقطع و بافق اعلی وحده توجه نموده‌اند ایشانند مظاهر تقوی و مشارق امانت و صدق و وفا

یا حیدر قبل علی امر اینمظلوم عظیم است چه که نه با امراء مداهنه نمود و نه با علما حق و امرش را ستر نفرمود در سجن اعظم ظاهرا باهرا اظهار داشت انچه را که مخالف نفس و هوای اهل ارض است الا من نبذ ما سوی الله و اخذ ما امر به من لدن علیم حکیم ذکر جناب اشرف علیه بهائی و عنایتی را نمودی در آخر لوح او را ذکر مینمائیم جناب افنان الذی یطوف حولی نامه ایشان را بحضور فرستاد ان نامه که در جواب احمد غافل نوشته بود مکرر از قبل و بعد باصغا فائز طوبی له و نعیما له قد نطق بالحق یشهد بذلک اهل مدآئن العدل و الانصاف و اهل الجبروت و الملکوت نسئل الله ان یوفقه فی کل الاحوال و به یفتح ابواب القلوب انه هو المقتدر المهیمن القیوم کبر من قبلی علی وجهه و علی ابنه الذی سمی بالحسین فی کتاب الله رب العالمین یا ایها الطآئر فی هوآئی دوستان را فردا فردا از قبل مظلوم تکبیر برسان و بفضل و عنایت و رحمت حق بشارت ده انه هو الفضال الکریم و هو الغفور الرحیم البهآء المشرق من افق سمآء فضلی علیک و علی الذین سمعوا الندآء و اقبلوا الی الافق الاعلی بوجوه بیضآء و قلوب نورآء الا انهم من المخلصین فی کتاب الله العزیز العظیم

یا حیدر قبل علی مرة اخری صریر قلم اعلی را بشنو انه یجذب القلوب و ینورها بنور معرفة الله رب العالمین کن مبشرا باسمی و ناطقا بین عبادی بذکری الحکیم اشهد انک فزت بعرفان الله و تبلیغ امره و ظهر منک ما انجذبت به افئدة المقبلین قد حضر کتابک الذی ارسلته الی اسم الجود و عرضه العبد الحاضرلدی الوجه اجبناک بما ینادی بین السموات و الارضین تالله قداتی سلطان البیان ومنزله ومرسله انه هو احکم الحاکمین طوبی لعبد ما منعه المعرضون عن الاقبال الی الفردالخبیر و طوبی لعبد نبذ العالم متمسکا بتوحید الله رب العرش العظیم انا انزلنا لک ما لا یحصیه احد اشکر ربک بهذا الفضل المبین و اما ما ذکرت عباد الله فی الطآء و الرآء نسئل الله ان یؤیدهم علی ما یحب و یرضی و یجعلهم من الذین ما منعتهم مفتریات العلمآء عن التوجه الی الله العزیز الحمید نبذوا ما عندهم و اخذوا ما امروا به فی کتاب الله المقتدر القدیر

یا اهل طار بشنوید ندای مظلومرا قسم بآفتاب حقیقت لوجه الله نطق مینماید وارد شد بر او انچه که بر احدی وارد نه بلایای ارض رافی سبیل الله لاجل نجات عالم و تهذیب امم قبول نمود آنی خود را ستر ننمود و باعلی الندآء امر الله را من غیر ستر و حجاب بر کل عرضه داشت بعضی قبول نمودند و برخی نظر باوهامات حزب قبل از صراط لغزیدند از قبل مظلوم عباد را تکبیر برسان بگو یا قوم اگر اهل بیانید جوهرش اینکلمه علیاست که از لسان نقطه اولی روح ما سویه فداه جاری و نازلشده میفرماید و قد کتبت جوهرة فی ذکره و هو انه لا یستشار باشارتی و لا بما ذکر فی البیان و اگر اهل فرقانید میفرماید ان اخرج القوم من الظلمات الی النور و ذکرهم بایام الله و اگر اهل بصرید منظر اکبر بمثابه آفتاب مشرق و لائح و سدره باثمار لا تحصی امام وجوه ظاهر و مرتفع و بحر بامواج برهان مشهود بشنوید ندای ناصح امین را و بمثابه حزب قبل خود را از معرفة الله و توحید حقیقی محروم منمائید سالها یا حق گفتند و چون از افق عالم ظاهر و مشرق بر اطفآء نورش کمر بستند و بر ضرش قیام نمودند و بالاخره بنار بغضا و سیف جفا شهیدش کردند سبب و علت علمای حزب قبل بوده و هستند چنانچه مشاهده نموده و مینمائید عمل نمودند انچه را که هیچ ظالمی عمل ننمود از بر و تقوی گذشتند و بنفس و هوی مشغول نیر عدل و انصاف از ظلم ان نفوس خلف حجاب غلیظ مبتلا از حق میطلبیم عالم را بتجلیات انوار نیر عدل منور فرماید ذکر جناب غلامعلی علیه بهآئی مذکور طوبی له و لابنه ذکرهما بما نزل من قلمی و بشرهما برحمتی و عنایتی نسئل الله ان یؤید الغلام علی خرق حجبات اوهام الانام و یجعله من الذین نصروا امرالله رب الکرسی الرفیع چندی قبل نامه او که باسمی مهدی علیه بهآئی نوشته بود در ساحت اقدس حاضر و بلحاظ عنایت فائز لله الحمد عرف خضوع و خشوع و استقامت از هر کلمه از کلماتش متضوع انا ذکرناه فی الواح شتی و ایدناه علی الحضور و قربناه الی مقام کان امل المخلصین و المقربین از حق میطلبیم او را تأیید فرماید بشأنیکه در لیالی و ایام بخدمت مشغول باشد نشهد انه خلق لذلک

یا حیدر قبل علی انا امضینا ما ذکرته فی الضیافة انه هو الفیاض الکریم و نذکر الصاد علیه بهآئی و عنایتی الذی فاز بما کان مسطورا فی صحف الله لله الحمد در سجن اعظم مذکورند و بعنایت فائز نسئل الله ان یرفعه باسمه و یجعله ذکرا بین عباده انه هو المقتدر القدیر این ایام نامهای ایشان هم رسید انشاء الله جواب ارسال میشود لیفرح و یکون من الشاکرین اهل بیت در جمیع مقامات عالیه و جنات مرتفعه مذکور بوده و هستند طوبی لهم و ویل للغافلین

یا حیدر قبل علی امانت باید باو راجع شود هذا ما حکم به المظلوم من قبل و فی هذا الحین اسمع و کن من العاملین ذکر ابناء خلیل و ابناء زردشت علیهم بهآء الله و عنایته را در ارض کاف نمودید که بهدایت نفسین محمد و حسین علیهما بهآء الله و رحمته فائز گشته‌اند و بشطر سجن اقبال کرده اند طوبی لهما و نعیما لهما قد فازا بما امرا به فی الزبر و الالواح بشرهما ثم الذین آمنوا بذکر المظلوم و اقباله الیهم لیفرحوا و یکونوا من الذین طاروا باجنحة الاشتیاق فی هوآء محبة الله مالک یوم الدین یا حیدر قبل علی بعضی از آن نفوس لله الحمد بنور عرفان منورند و بامر الله متمسک و برخی صاحب دو وجهند ان ربک یعلم و یستر و هو الستار الغفور الرحیم

انا نذکر من سمی باقا بابا و نسئل الله ان یجعله من الذین آثروا احبآء الله علی انفسهم و عملوا ما امروا به فی الکتاب امرا من لدن علیم حکیم انشاء الله مؤید شود بر انچه سبب اعلاء کلمة الله است اگر مالک بود جمیع عالمرا و در راه دوست انفاق مینمود باین کلمات منزلات معادله نمیکرد له ان یشکر الله ربه فی العشی و الاشراق و فی البکور و الاصیل

اولیای مازکانرا از قبل مظلوم تکبیر برسان انا ذکرناهم من قبل بذکر لا یفنی و لا ینفد کبر علیهم من قبلی و بشرهم بآیاتی و فضلی و رحمتی نسئل الله ان یمدهم و یؤیدهم علی الاستقامة الکبری انه علی کل شیء قدیر

و نذکر من سمی بملا میرزا و الذین آمنوا بالله الفرد الخبیر طوبی لمن طهر نفسه بمآء الانقطاع و زین رأسه باکلیل التقوی و قام علی تبلیغ الامر بالحکمة و البیان لعمری انه من اهل البهآء فی قیوم الاسمآء الذی نزل فی هذا الذکر العظیم و الامر المحکم المتین نسئله تعالی ان یکتب له اجر من قام امام الوجه لینفق ایامه فی ذکر ربه و یکون من الفآئزین

یا مشهدی حسن ذکرک من احبنی و فاز بذکری و خدمتی و لقآئی علیه بهآئی و علی الذین اعترفوا بما نطق به جمال القدم فی هذا المنظر المنیر یا مشهدی حسن اسمع ندآء المظلوم انه ظهر باسمه القیوم و نطق بین العباد بما امر به من لدی الله فاطر الارضین و السموات افرح بذکری ایاک و قل لک الحمد یا مقصود العالم بما ذکرتنی اذ کنت فی اخرب البلاد اسئلک ان تؤیدنی علی ذکرک و ثنائک و الاستقامة علی امرک الذی به احترقت افئدة الاشرار

یا حیدر قبل علی اولیای هر ارض را از قبل مظلوم تکبیر و سلام برسان بعنایتش مسرور دار و بنور امرش منور انه مع اولیآئه اینما کانوا یشهد بذلک لسانی و قلمی و الذین طافوا عرش الله الاعظم ان ربک هو الغفور الرحیم و البهآء من لدنا مرة اخری علیک و علی من یسمع قولک فی امر الله العزیز الحمید